

## A Comparative Analysis of the Principal Themes in Surah al-Takāthur from the Perspectives of Allamah Tabatabai and Ibn Ashur

Zahra Moradipoor 

- Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, University of Ilam, Ilam, Iran.  
Email: z.moradipoor.1402@gmail.com

Article Info	Abstract
Article type: <b>Research</b>	The blessed Surah At-Takathur, revealed in the early Islamic period, holds particular significance due to its emphatic pedagogical admonitions and potent warnings regarding the chastisement of the Hereafter. Employing a library-based and comparative method, this research investigates and analyzes the viewpoints of two eminent Islamic exegetes, Allamah Tabatabai and Ibn Ashur, concerning the principal themes of this surah. The findings reveal that while both exegetes concur on the overarching principle of the warnings and the unequivocal occurrence of otherworldly punishment, significant differences exist in their perspectives regarding the "timing of beholding the Hellfire." Allamah Tabatabai, adopting a mystico-philosophical approach, posits the potential vision of Hell in this very world, whereas Ibn Ashur confines this witnessing strictly to the posthumous realm. Furthermore, discrepancies are observed in the two interpreters' understanding of the "significance of visiting graves." The comparative study of the commentaries Al-Mizan and At-Tahrir wa al-Tanwir demonstrates that these divergences stem from fundamental and methodological differences in Qur'anic hermeneutics, which are exhaustively examined in this study.
Article history : Received :	
<b>2025/2/19</b>	
Accepted: <b>2025/7/23</b>	
Published: <b>2025/12/6</b>	
<b>Keywords:</b> Surah al-Takathur, Jahim, Naim, Allamah Tabatabai, Ibn Ashur.	

**Cite this article:** Moradipoor, Zahra (2025). A Comparative Analysis of the Principal Themes in Surah al-Takāthur from the Perspectives of Allamah Tabatabai and Ibn Ashur. Journal of Theological and Exegetical Studies, Year 1, Issue 1, Winter 2025, Serial Number 2, (51-70)

**Publisher:** Allameh Tabatabai Specialized Center, Kermanshah



## بررسی تطبیقی مفاهیم کلیدی سوره تکاثر از دیدگاه علامه طباطبایی و ابن عاشور

زهرا مرادی پور

- دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: z.moradipoor.1402@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۵/۱ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۸/۱۵</p> <p><b>واژه‌های کلیدی:</b> سوره تکاثر جحیم، نعیم، علامه طباطبایی، ابن عاشور.</p>	<p>سوره مبارکه تکاثر، از سوره‌های نازل‌شده در صدر اسلام است که به دلیل تأکیدات تربیتی و هشدارهای قوی درباره عذاب آخرت، اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تطبیقی، به بررسی و تحلیل آرای تفسیری دو مفسر برجسته اسلامی، علامه طباطبایی و ابن عاشور، پیرامون مفاهیم اصلی این سوره پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر دو مفسر بر اصل کلی هشدارها و قطعی بودن وقوع عذاب در آخرت اتفاق نظر دارند؛ اما تفاوت‌های مهمی در دیدگاه آنها درباره «زمان مشاهده آتش جهنم» وجود دارد. علامه طباطبایی با رویکردی عرفانی-فلسفی، احتمال مشاهده جهنم در همین دنیا را مطرح می‌کند، در حالی که ابن عاشور این مشاهده را محدود به جهان پس از مرگ می‌داند. علاوه بر این، تفاوت‌هایی نیز در برداشت دو مفسر درباره «اهمیت زیارت قبور» دیده می‌شود. مطالعه تطبیقی تفاسیر «المیزان» و «التحریر و التنبیر» نشان می‌دهد که این اختلافات، ناشی از تفاوت‌های مبنایی و روشی در تفسیر آیات است که در این پژوهش به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته است.</p>

استناد: مرادی‌پور، زهرا (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی سوره تکاثر از دیدگاه علامه طباطبایی و ابن عاشور. پژوهش‌نامه معارف

کلامی تفسیری، سال ۱، دوره ۱، زمستان ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۲ (۵۱-۷۰).

ناشر: مرکز تخصصی علامه طباطبایی ره کرمانشاه



### ۱. مقدمه

قرآن کریم به دلیل اعجاز بی نظیر خود و نقش مهمش در تغییر فرهنگ‌های ناسالم به فرهنگ‌های سازنده و هدایت فردی و اجتماعی، همواره منشوری مورد مراجعه انسان‌ها بوده است. یکی از ویژگی‌های اصلی قرآن، «سهل و ممتنع» بودن آن است؛ یعنی با زبان مردم عادی و قابل فهم نازل شده، اما دارای لایه‌ها و معانی عمیقی است که به تفکر و تفسیر دقیق نیاز دارد. از زمان نزول قرآن تاکنون، دانش تفسیر رشد کرده و مفسران مختلف با توجه به شرایط و ویژگی‌های خود، برداشت‌های متفاوتی ارائه داده‌اند. هر تفسیر، بازتابی از معلومات، باورها، ویژگی‌های شخصی، جغرافیا، تحولات تاریخی و وضعیت فرهنگی و اجتماعی مفسر است. با گذشت زمان، به‌ویژه در عصر حاضر که با تنوع دیدگاه‌ها و تحولات سریع مواجه هستیم، ضرورت دارد که معیارهای منطقی و علمی برای انتخاب بهترین و عقلانی‌ترین تفسیرها به کار گرفته شود. در غیر این صورت، همه باید یک تفسیر یکسان و ثابت از قرآن داشته باشند؛ در حالی که هر تفسیر، مانند لباسی است که مفسر بر تن قرآن می‌پوشاند (رضایی اصفهانی و دیگران، ۱۴۰۱ق).

سوره تکاثر به دلیل هشدارهای جدی نسبت به عذاب آخرت و پیام‌های تربیتی خود، توجه بسیاری از مفسران قرآن را به خود جلب کرده است. اما با وجود اتفاق نظر کلی درباره اهمیت این سوره، برداشت‌های مختلفی نسبت به زمان و نحوه رؤیت عذاب الهی و نیز موضوع زیارت قبور دیده می‌شود. این تفاوت‌ها که عمدتاً ناشی از رویکردهای متفاوت تفسیر است، نیازمند بررسی و تحلیل تطبیقی دقیق است تا بتوان به فهم بهتری از مفاهیم این سوره دست یافت. این مقاله به بررسی تطبیقی سوره تکاثر در دو تفسیر مهم اسلامی، یعنی «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر علامه طباطبایی و «التحریر و التتویر» اثر ابن عاشور می‌پردازد. سوره تکاثر که درباره رقابت دنیاطلبی و یادآوری اهمیت آخرت است، در هر دو تفسیر به عنوان پیامی عمیق درباره آگاهی انسان نسبت به دنیا و آخرت تحلیل شده است. علامه طباطبایی بیشتر بر تفسیر فلسفی و عرفانی آیات تأکید دارد و رابطه دنیا و آخرت را به صورت اخلاقی و معنوی بررسی می‌کند، در حالی که ابن عاشور در التحریر و التتویر با رویکردی ادبی، تاریخی و زبان‌شناسی، ساختار آیات و نکات بلاغی را دقیق‌تر تحلیل کرده است. مقایسه این دو تفسیر نشان می‌دهد که هر دو، با روش‌های متفاوت، به تعمیق فهم پیام سوره کمک کرده و مکمل یکدیگر هستند.

در نهایت، مطالعه تطبیقی، درک جامع‌تری از سوره تکاثر و اهمیت آن در آموزش ارزش‌های دینی و انسانی به دست می‌دهد.

همچنین یکی از حوزه‌هایی که اختلاف نظر بین مفسران، به‌ویژه میان شیعه و سنی، به چشم می‌خورد، تفسیر آیات مرتبط با اهل بیت (ع) است؛ هرچند اشتراکات فراوانی نیز در این بین وجود دارد. این اختلاف بیشتر ناشی از تفاوت در مبانی تفسیر و تأثیر اعتقادات فردی مفسران است. بر این اساس، این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی، به بررسی تطبیقی تفاسیر دو مفسر شاخص از شیعه و سنی، یعنی علامه طباطبایی و ابن عاشور پرداخته است. این دو مفسر هم‌عصر بوده و رویکردهای اجتهادی دارند.

پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هرچند مطالعات متعددی به صورت مستقل درباره هر یک از این دو مفسر و همچنین آموزه‌های تربیتی سوره تکاثر انجام شده، اما پژوهش تطبیقی متمرکز بر آرای این دو مفسر درباره سوره تکاثر تاکنون انجام نشده است.

## ۲. مفهوم‌شناسی کلیدی

### ۲-۱. لهو

در منابع تفسیری «لهو» به معنای منحرف شدن یا بازداشتن از مسیر اصلی به سوی تمایلات و هوای نفسانی آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۴۸۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲۷، ص ۲۵۳). این واژه نشان‌دهنده نوعی سرگرمی یا مشغول شدن بی‌فایده و بی‌هدف است که انسان را از مسیر درست و وظایف اصلی‌اش دور می‌کند.

### ۲-۲. تکاثر

لغویان در توضیح واژه «تکاثر»، این کلمه را به معنای رقابت و تلاش برای افزایش مال، ثروت و جایگاه اجتماعی دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۰۳). همچنین معنای دیگری که برای این واژه ذکر کرده‌اند، تفاخر و مباهات بر اساس کثرت مال، تعداد افراد خانواده و فرزندان است (قاموس قرآن، ج ۶، ص ۹۳). در واقع، تکاثر اشاره به یک رقابت ناسالم دارد که در آن افراد به جای تمرکز بر ارزش‌های واقعی، تنها به دنبال جمع‌آوری و افزایش مادیات هستند.

## ۳. مبانی تفسیری

در مطالعات تفسیری، معمولاً مبانی و دیدگاه‌های مفسران را به دو دسته کلی مبانی عام و خاص تقسیم می‌کنند. دسته نخست شامل زندگی‌نامه، آثار منتشر شده، نظر دیگران درباره

مفسر، و به‌طور کلی جهان‌بینی و نگرش کلی او به مسائل دینی، فلسفی و اجتماعی است و دسته دوم مشتمل بر نگرش و رویکرد ویژه‌ای است که مفسر نسبت به قرآن و روش تفسیر آن دارد و ممکن است به جنبه‌های خاصی از متن یا معنا توجه ویژه کند.

### ۳-۱. شناخت‌نامه مفسران

#### ۳-۱-۱. علامه سید محمدحسین طباطبایی

علامه طباطبایی از برجسته‌ترین مفسران شیعه، فیلسوف، اصولی، فقیه و عارف شناخته شده معاصر است. ایشان در تبریز متولد شد و زندگی‌نامه خود را در سال ۱۳۴۱ ش. نوشت. علامه حدود ۲۰ سال پس از آن، در سال ۱۳۶۰ ش. دار فانی را وداع گفت و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد. آثار متعددی از ایشان برجای مانده که مهم‌ترین آنها، تفسیر قرآن کریم به نام «المیزان فی تفسیر القرآن» است. از دیگر آثار ایشان می‌توان به «سنن النبی»، «اصول فلسفه و روش رئالیسم»، «نهایة الحکمه»، «شیعه در اسلام» و «قرآن در اسلام» اشاره کرد. علامه طباطبایی کار بر روی تفسیر المیزان را از سال ۱۳۳۳ ش. آغاز کرد و در ۲ آبان ماه ۱۳۵۰ ش. آن را به پایان رساند. انگیزه اصلی وی از شروع این تفسیر، تدریس در حوزه علمیه قم و درخواست مکرر شاگردان برای جمع‌آوری و تنظیم مباحث درسی بود. این تفسیر عظیم و جامع، شامل مباحث عمیق قرآنی، حدیثی، فلسفی، عرفانی، ادبی، اخلاقی، تاریخی و اجتماعی است و رویکردی نوآورانه، تحقیقی و کاملاً مستدل دارد که باعث شده المیزان به یکی از مراجع اصلی تفسیری شیعه تبدیل شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق).

رویکرد علامه طباطبایی در تفسیر، تلفیقی از روش‌های مختلف است؛ ایشان هم به آیات و روایات توجه ویژه دارد، هم به مباحث فلسفی و عرفانی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا معانی ژرف قرآن را به زبان قابل فهم برای مخاطبان بیان کند. در این روش، تفسیر صرفاً توضیح ظاهری آیات نیست، بلکه بررسی مفاهیم عمیق، ارتباطات فلسفی و معانی اخلاقی و اجتماعی آیات را نیز دربرمی‌گیرد. در واقع باید گفت، در تبیین خاستگاه فکری رویکرد تفسیری علامه طباطبایی، توجه به نقش بنیادین حکمت متعالیه ملاصدرا ضروری است؛ زیرا دیدگاه‌های فلسفی-عرفانی ملاصدرا، به ویژه درباره مراتب هستی، مسئله علم الیقین و عین الیقین، و ادراکات مثالی، زیرساخت نظری محکمی را برای تفسیر علامه فراهم آورده است. بر این اساس، این نگرش کلان فلسفی، علامه را قادر می‌سازد تا از سطح ظاهر الفاظ فراتر رفته و به

تأویل و تفسیر هماهنگ با سیر تکاملی انسان و تجرد نفس پردازد؛ رویکردی که مبنای تفاوت‌های عمیق تفسیری او با مفسرانی مانند ابن عاشور با گرایش غالب ادبی-تاریخی، است.

### ۳-۱-۲. ابن عاشور

محمد الطیب ابن عاشور یکی از مفسران برجسته اهل سنت و از علمای تونس بود که به دلیل تفسیر جامع و تحلیلی خود به نام «التحریر و التنبؤ» شناخته شده است. وی در خانواده‌ای عالم به علوم دینی به دنیا آمد و تحصیلات دینی و فقهی خود را در تونس و کشورهای دیگر تکمیل کرد. فعالیت‌های علمی او علاوه بر تفسیر قرآن، شامل فقه، اصول فقه و علوم قرآنی بود و در جهان اسلام جایگاه قابل توجهی داشت. کتاب «التحریر و التنبؤ» یکی از تفسیرهای مهم و جامع قرآن است که بر پایه مطالعه عمیق زبان عربی، ادبیات، علوم دینی و سنت پیامبر (ص) نوشته شده است. ابن عاشور تلاش کرده است با رعایت دقیق قواعد زبان عربی و توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی، مفاهیم آیات را به صورت دقیق و علمی تبیین کند. رویکرد او بیشتر متکی به روش لغوی، نحوی و تاریخی است و از تحلیل‌های فلسفی و عرفانی کمتر استفاده می‌کند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق).

### ۳-۲-۱. مبانی عام ابن عاشور

ابن عاشور با نگرشی اجتهادی و علمی، تلاش کرده است تا تفسیری ارائه دهد که مبتنی بر اصول دقیق زبان‌شناسی، تاریخ صدر اسلام و فقه باشد. وی تأکید ویژه‌ای بر فهم واقعی واژگان و آیات در متن اصلی و زمان نزول دارد و معتقد است تفسیر باید بر مبنای شواهد محکم نقلی و دلالت‌های لغوی و نحوی باشد. از ویژگی‌های مهم مبانی عام ابن عاشور می‌توان به رویکرد انتقادی او نسبت به تفاسیر قبلی و تأکیدش بر استفاده از منابع معتبر و سنتی اشاره کرد. وی در این مسیر، روش اجتهادی و منطقی را در تفسیر به کار گرفته و سعی دارد تفسیر قرآن را تا حد امکان از تأثیرات غیرعلمی و شخصی دور نگه دارد.

### ۳-۲-۲. مبانی خاص ابن عاشور در تفسیر قرآن

رویکرد خاص ابن عاشور به قرآن، مبتنی بر دقت در معناشناسی و توجه به شرایط نزول آیات است. او تأکید زیادی بر مفهوم دقیق کلمات و ارتباط آنها با زمینه تاریخی و فرهنگی دارد. به همین دلیل در تفسیر سوره تکاثر نیز بیشتر بر معنای لغوی واژگان و کاربردهای آن در

زمان نزول تمرکز می‌کند و کمتر به تفسیرهای عرفانی یا فلسفی می‌پردازد. ابن عاشور معتقد است بسیاری از مفاهیم قرآن باید با توجه به سیاق آیات و سنت پیامبر (ص) فهمیده شود و دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی که بعدها وارد تفسیر شده‌اند، نباید به عنوان تفسیر اصلی قرآن در نظر گرفته شوند. این نگاه باعث شده که تفسیر او در عین جامعیت، کاملاً مستند و نزدیک به متن اصلی باشد.

#### ۴. بررسی تطبیقی آرای تفسیری

##### ۴-۱. شناخت‌نامه سوره: نامگذاری، مکی یا مدنی بودن و ترتیب نزول

در خصوص نامگذاری سوره، ابن عاشور با استناد به منابع مختلف می‌نویسد: قال الألوسی: أخرج ابن أبي حاتم عن سعيد بن أبي هلال: كان أصحاب رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم يسمونها المقبرة و سميت في معظم المصاحف و معظم التفاسير سورة التكاثر ... و سميت في بعض المصاحف سورة أهاکم (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۴۵۵). اما علامه طباطبایی کوچکترین اشاره‌ای به نام سوره یا علت نامگذاری ننموده است.

در خصوص مکی یا مدنی بودن سوره، ابن عاشور پس از ذکر اقوال مختلف، با استناد به مفاد غلظت تهدید، نظر بر مکی بودن آن دارد. اما علامه طباطبایی با استناد به سیاق، هر دو احتمال مکی یا مدنی بودن را قوی می‌داند. به نظر می‌رسد سوره مبارکه تکاثر به شهادت سیاق و مقایسه آن با سایر سوره‌های مکی و بنابر گفته مفسران و دانشمندان علوم قرآنی، از سوره‌های مکی باشد.

در ادامه، ابن عاشور روایاتی را در مورد سبب نزول می‌آورد که روش تفسیری وی را تأیید می‌کند. اما علامه با توجه به دیدگاه خاص خود در تفسیر قرآن به قرآن، در قسمت «بیان» به این مطلب نمی‌پردازد. دلیل این رویکرد را می‌توان در دو نکته کلیدی جستجو کرد: با توجه به بحث جعل و وضع حدیث و انگیزه‌های متعدد جااعلان - که بسیاری از احادیث جعلی معطوف به شأن نزول و اسباب نزول سوره‌ها بوده است - و نیز با عنایت به اینکه رسالت تفسیر قرآن، کشف مدلول و مقصود قطعی آیات است و باید با یقین و اطمینان ارائه گردد، به نظر می‌رسد مطالب دارای سند ضعیف یا ظنی‌الصدر (از جمله احادیث) می‌بایست پیش از استفاده، مورد پالایش و بررسی انتقادی دقیق قرار گیرند و در متن تفسیر اصلی آیات وارد نشوند.

در مورد ترتیب نزول نیز علامه سکوت می‌کند و ابن عاشور بنا بر مکی بودن، آن را شانزدهمین سوره بعد از کوثر و قبل از ماعون می‌داند.

#### ۴-۲. اغراض سوره و مخاطب آن

در این مرحله، ابن عاشور به بیان سه غرض مهم سوره می‌پردازد و آنها را در سه محور «توبیخ از لهُو»، «تدبر در آنچه ما را از جحیم دور می‌کند» و «بعث و سؤال از نعیم» خلاصه می‌کند. اما علامه طباطبایی با پشتوانه مبنای خاص قرآنی خود که همان وحدت موضوعی تمام آیات سوره است، از بیان غرض‌های جداگانه پرهیز می‌کند و به سراغ بیان آیات می‌رود و عنوان می‌نماید این سوره مردم را به شدت توبیخ می‌کند که با تکاثر و مسابقه در ثروت اندوزی، خود را از سعادت واقعی محروم نکنند.

در پاسخ به این سؤال که مخاطب «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ» کیست؟ علامه معتقد است مخاطب، عموم مردم هستند. اما ابن عاشور با این استدلال که در زمان نزول این سوره تعداد مسلمانان زیاد نبوده و آنان از قبح تکاثر آگاه بوده‌اند، معتقد است مخاطب، مشرکان هستند.

قرآن نسخه شفابخشی است که برای هدایت ابدی بشریت نازل گردیده و ابدیت و همگام با زمان بودن از خصایص آن محسوب می‌شود. بدون شک قرآن مختص گروه و قبیله و جغرافیا و عصر خاصی نیست تا بخواهیم آیات را در همان جا منجمد کنیم. به نظر قاعده عقلانی «جری و تطبیق» در این خصوص حائز اهمیت است تا اثربخشی قرآن شامل همه انسان‌ها در همه اعصار شود. در این سوره نیز که رذیله اخلاقی رفتارها و تعاملات فخرفروشانه در روابط انسانی تقبیح و نسبت به پیامد آن - که حتی اخروی هم هست - هشدار جدی داده شده است، شامل مردمان این زمان که عصر پیشرفت علم و تکنولوژی و بالارفتن سطح رفاه اجتماعی است نیز می‌شود؛ زمانه‌ای که گاه ممکن است افراد، ارزش را ضد ارزش و هنجار را ناهنجار تلقی کنند و ملاک ارزش‌گذاری افراد را در میزان بهره‌مندی‌شان از امورات مادی بدانند.

نزدیک‌ترین معنایی که از نتیجه تکاثر به ذهن مفسران می‌رسد، این است که انسان را از یاد آخرت و ذکر خداوند غافل می‌کند و باعث می‌شود تا لحظه مرگ در گمراهی به سر ببرد. همین معنا نیز متناسب با مفهوم واژه «لهُو» است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۸۱۹؛ عبدالرزاق بن همام، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۲۰؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۸۳؛ طبرسی،

۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۸۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۵۹۷).

#### ۳-۴. تفسیر آیه «حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»

در شرح و بیان مفهوم این آیه، دو نظر از سوی مفسران مطرح شده است:

##### ۱-۳-۴. تکاثر تا حد زیارت قبور

ظاهر آیه این است که تکاثر تا این مرحله شما را کشاند که به دیدن قبرها رفتید و به تعداد مردگان و قبرهایتان مباحث کردید (ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۶۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۵۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۶۹۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۵، ص ۳۳۴؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۰۹؛ جرجانی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۰، ص ۴۳۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۱۰، ص ۳۳۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۶۸؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۴، ص ۴۱۶؛ حقی برسوی، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۴۵۲؛ شبر، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۴۵؛ بلاغی، ۱۳۸۶ق، ج ۷، ص ۲۹۲؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۴، ص ۳۲۸؛ بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۷، ص ۴۸۵؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ش، ج ۶، ص ۵۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۷، ص ۲۷۶).

در این راستا، حضرت علی (ع) در تفسیر این سوره ضمن خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه می‌فرماید: آیا به قبرهای مردگان، تعداد آنها می‌نازند؟ آنها مایه عبرت هستند نه تفاخر! ولی با چشم‌های کم‌سو دیدند و در امواج نادانی فرو رفتند... (دستی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۹). شارح معتزلی نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، در خصوص این خطبه بیان منحصر به فردی دارد و می‌گوید: بیش از پنجاه سال و بیشتر از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام و هر بار موعظه و ترس و لرز جدیدی [در من] پیدا شده است و نمونه آن را از هیچ واعظی ندیدم و نشنیدم (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵، ص ۴۱).

##### ۲-۳-۴. تکاثر تا لحظه مرگ

مفهوم دیگر این است که تکاثر و افزون‌طلبی و تسابق در کمیت بهره‌مندی‌های دنیوی، آن‌چنان شما را از امورات معنوی غافل کرد که تا لحظه فرو رفتن در قبر و زمان رسیدن مرگ در این غفلت به سر بردید. حتی برخی از مفسران این آیه را به استناد حدیثی از امام علی (ع)، دلیلی بر صحت وقوع عذاب قبر می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۸۳؛ ابن ابی حاتم،

۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۳۴۵؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰، ص ۲۷۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۸۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۸۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۵، ص ۵۱۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۴، ص ۴۸۵؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۷۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۸۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۵۳۵؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۶۴؛ سیواسی، ۱۴۲۷ق، ج ۴، ص ۳۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۸۷؛ ایجی، ۱۴۲۴ق، ص ۵۲۵؛ اشکوری، ۱۳۷۳ش، ج ۴، ص ۸۵۴؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۶۰۴؛ ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۷۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۳۰، ص ۳۸۴؛ سبزواری، ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۴۰۸؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۱۴، ص ۲۱۶؛ آبیاری، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۴۹۴؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۱۳۲۲؛ قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲، ص ۳۴۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۵۱).

بر این اساس، در مورد این آیه دو دیدگاه اصلی وجود دارد. عده‌ای مانند علامه طباطبایی، سیوطی، طبری و فخر رازی، تکاثر را تا مرحله فرا رسیدن مرگ تفسیر می‌کنند. برخی دیگر مانند فیض کاشانی، آلوسی، مکارم شیرازی و بیضاوی، تکاثر را مطابق این آیه، تا جایی می‌دانند که انسان حتی به سراغ مردگان می‌رود و به تعداد و ویژگی آنان نیز تفاخر می‌کند. مفسرانی مانند ابن عاشور نیز صرفاً به طرح دو دیدگاه پرداخته و نظر خاصی را بیان نکرده‌اند. به نظر می‌رسد با اندک تأملی فهمیده می‌شود که در نهایت، هر دو دیدگاه به یک نقطه اشتراک ختم می‌شوند؛ یعنی تکاثر در دنیا، مشغولیت و سرگرمی انسان است به نحوی که به جای پرداختن به خود و اصلاح رابطه خود با پروردگار عالم، زمان را صرف تسابق در امور دنیوی با مردمان می‌کند. از طرفی، این رفتار قطعاً در تمامی مظاهر دنیا (حتی مردگان) وسعت می‌یابد و عمر کوتاه، این‌گونه سپری می‌شود تا زمانی که مدت حیات او خاتمه می‌یابد.

#### ۴-۴. تفسیر آیات «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ»

در باره این دو آیه نیز مفسران دو گونه اظهار نظر کرده‌اند:

##### ۴-۴-۱. تأکید و تغلیظ

عده‌ای تکرار را به عنوان یک آرایه مهم ادبی و دال بر تأکید و تغلیظ مطلب می‌دانند که همان ردع از تکاثر و هشدار است. علامه طباطبایی از این دسته است.

##### ۴-۴-۲. اشاره به عذاب قبر و قیامت

برخی دیگر از مفسران شیعه و سنی به استناد حدیثی از حضرت علی (ع)، آیه اول «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» را دال بر عذاب پس از مردن در قبر و برزخ می‌دانند و آیه دوم «ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ» را به عذاب در روز قیامت تفسیر نموده‌اند (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۸۱۹؛ فراء، ۱۹۸۰م، ج ۳، ص ۲۸۷؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۶۱۳؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج ۶، ص ۵۴۸؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۴۰۲؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۸۱۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۸۶؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۵۹۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۳۶۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۶۶۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۲۷، ص ۲۷۹).

ابن عاشور این آیات را بر اساس تأکید وعید و تهدید بعد از مرگ در رابطه با عدم قبول دعوت اسلام بیان می‌کند. همچنین با ذکر روایتی از ابن عباس، آیه نخست را مربوط به عذاب قبر و آیه دوم را هنگام بعث می‌داند.

#### ۴-۵. تفسیر «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ»

«علم الیقین» همان مرحله اطمینان و یقین پس از شک و تردید و اضطراب است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۸۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۵۱). طبری علم الیقین را علم به بعثت بعد از مرگ می‌داند و عده‌ای دیگر از مفسران اهل سنت نیز بر این باورند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۸۴).

در مورد دیدن جحیم، مرحوم طبرسی در مجمع البیان معتقد است اولی، دیدن آن قبل از دخول در جحیم و دومی، دیدن جحیم پس از داخل شدن در آن است. علامه طباطبایی با صراحت و با استعانت از روش تفسیری خود (تفسیر قرآن به قرآن)، دیدن اول در «لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» را مربوط به قبل از قیامت و به واسطه چشم بصیرت می‌داند که از آثار علم الیقین است و اهل تکاثر و تفاخر از آن محروم هستند. دیدن دوم در «ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ» را نیز مربوط به عرصه محشر و روز قیامت و با چشم سر می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۵۲؛ تقی‌پور، ۱۳۸۱، ص ۲۲۸).

از آنجا که علامه طباطبایی به طور مستقیم و غیرمستقیم در تفسیر خود از ملاصدرا به عنوان پایه‌گذار حکمت متعالیه، مبانی فلسفی-عرفانی عمیقی بهره برده است، در اینجا، دیدگاه‌های

ملاصدرا درباره مراتب علم الیقین و عین الیقین و نیز تمایز میان حضور باطنی جهنم در دنیا و ظهور آن در آخرت، به عنوان پشتوانه‌ای نظری برای توضیح دیدگاه علامه طباطبایی بیان می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که اختلاف تفسیری بین علامه و ابن عاشور تنها یک اختلاف نظر سطحی نیست، بلکه ریشه در تفاوت‌های بنیادین دارد که ملاصدرا بدان پرداخته است.

ملاصدرا برای رسیدن به مسائل مبدأ و معاد، دو راه را بیان می‌کند: یک راه که به واسطه برهان و دلایل عقلی حاصل می‌شود و به آن «علم الیقین» اطلاق می‌شود و معتقد است با حصول این مرتبه، باز هم حایلی بر واقعیت وجود دارد و او را که به این مرتبه از درک رسیده، مضمون آیه «فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (النجم: ۵۱) می‌داند. راه دیگر را کشف و شهود می‌داند که مختص انبیا و اولیا و عرفاست که با چشم دل قادر به مشاهده ملکوت آسمان‌ها و زمین می‌شوند (ملاصدرا، ۱۳۶۰ش، ص ۶). وی می‌گوید: علم الیقین با اقامه برهان و استدلال حاصل می‌شود؛ مثل اینکه نابینا از این طریق به وجود خورشید علم پیدا کند. عین الیقین به وسیله بصیرت باطنی به دست می‌آید؛ گو اینکه با چشم سر، خورشید دیده می‌شود (ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۳، ص ۵۱۸). همچنین معتقد است: جحیمی که در آخرت بروز پیدا می‌کند، باطن همین دنیا و طبیعت و انسان است و عذاب‌های اخروی... ظهور باطن بر ظاهر است. کما اینکه فرمود: «إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ» (توبه: ۴۹) و «وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى» (النازعات: ۳۶؛ ملاصدرا، ۱۹۸۱م، ج ۹، ص ۲۶۳؛ همو، ۱۴۲۰ق، ص ۳۵۱).

مرحوم ملاصدرا در جایی، سرّ این آیه را این مطلب عنوان می‌کند که جحیم در باطن انسان است و باید به واسطه علم الیقین پیدا شود. پس قبل از مرگ همراهش است، ولی به واسطه حجاب‌هایی از قبیل مشغله‌ها، دوست داشتن دنیا، حرص، حسد، بغض، نفاق، کبر و شهوت و... قادر به دیدنش نیست و در آخرت با کشف الغطاء دیده می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۸۷ش، ص ۳۰۳). باز هم در مورد امکان مشاهده جحیم می‌گوید: وجود جحیم برای برخی از علما با علم الیقین در همین دنیا میسر است که آن را ثمره عبادت و غایت صبر و صلوه می‌داند، لیکن دیدن آن با عین الیقین فقط در عالم آخرت میسر است (ملاصدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۲).

وی نار جهنم را با چند ویژگی از نار دنیا متمایز می‌داند: اول اینکه با این حواس ظاهری و مادی قابل حس نیست مگر بعد از ورود به نشأه آخرت که در این مرحله انسان می‌تواند با عین

الیقین آن را مشاهده کند. وجه تمایز دیگر این است که ابتدا در بواطن است و سپس از باطن به ظاهر بروز پیدا می‌کند و به این دلیل هم «وَقُوذُهَا النَّاسُ» (بقره: ۲۴) گفته می‌شود؛ در صورتی که نار دنیا اول بر ظاهر مستولی می‌شود و سپس به باطن نفوذ پیدا می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۵۰؛ همو، ۱۳۶۳ش، ص ۹۰). در جای دیگر به بیانی زیبا و خلاصه، این آیه را این‌چنین تفسیر می‌کند که علم به جهنم در دنیا و مشاهده در آخرت صورت می‌گیرد (ملاصدرا، ۱۳۵۴ش، ص ۴۵۹).

علامه طباطبایی معتقد است خداوند متعال نوع خاصی از رؤیت و مشاهده را در کلام خود ثابت کرده که غیر از به کار بردن ابزار حسی و مشاهده با چشم است، و از آن به «شعور» یاد کرده است که با وجدان دریافت می‌شود؛ تا آنجا که ادیان و فلاسفه و دانشمندان از بیان این نوع علم ناتوان بوده‌اند و فقط منحصر به قرآن است (سبحانی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۳).

بر این اساس، علامه جزای مفاخرت را جحیم می‌داند و مراد از رؤیت آن را در همین دنیا با چشم سر و قلب برای مؤمنان (که از آثار علم الیقین است) می‌داند. البته فخر و روشن شدن از این دیدن در دنیا محروم می‌باشند و آن را به صورت عین الیقین در قیامت با چشم ظاهر می‌بینند. علامه سپس با صراحت کامل، نظرات دیگر را رد می‌کند.

ابن عاشور بر نظر خود مبنی بر اینکه مخاطب، مشرکان هستند، پافشاری می‌کند و می‌نویسد: دیدن، کنایه از حتمی‌الوقوع بودن این مجازات است و «عین الیقین» در آیه بعد را تنها تأکیدی بر این امر می‌داند.

به نظر می‌رسد با استناد به آیات و روایات صحیح و سیره معصومان (ع) و علمای دین و گواهی تاریخ، اولاً خلقت جهنم و بهشت قبل از ورود انسان به نشئه اخروی صورت گرفته است و در قرآن با لفظ «لْمُحِيطَةُ» (توبه: ۴۹) یا «أَحَاطَ» بیان گردیده است. همچنین در سوره مبارکه نساء، خوردن مال یتیم را عیناً خوردن آتش معرفی می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء: ۱۰). گذشته از این، در بیانات حضرت علی (ع) آمده است که اگر پرده از ملکوت عالم برداشته شود، چیزی به یقینم افزوده نمی‌شود یا در وصف پارسایان در خطبه متقین می‌فرماید: جهنم و بهشت را مشاهده می‌کنند. همچنین در احوال عرفا و علما هم اخباری در این جهت وجود دارد؛ بنابراین، به احتمال بسیار، مقصود از

«لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» دیدن با چشم بصیرت در همین عالم مادی و «عَيْنَ الْيَقِينِ» مربوط به دیدن با چشم بدن در نشئه اخروی است.

#### ۴-۶. تفسیر آیه «ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»

– از ظاهر آیه چنین برمی‌آید که منظور، نعمت‌ها و لذت‌های دنیاست که در روز قیامت منشأ پاداش یا عذاب خواهند شد. این نعمت‌ها به‌طور خاص شامل نعمت وجود رسول اکرم (ص) نیز می‌شود (ملاصدرا، ۱۳۷۵ش، ص ۴۲؛ همو، ۱۳۶۶ش، ج ۳، ص ۴۸۱).

– غالب مفسران اهل سنت، «نعیم» را به نعمت‌های مادی مانند سلامت، امنیت و... تفسیر نموده‌اند. مفسران شیعه علاوه بر ذکر این نعمت‌ها، نعمت وجود معصومان (ع) را نیز بر آن افزوده‌اند (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۴۰؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳۰، ص ۱۸۴؛ میدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰، ص ۵۹۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۳۵۱ و...).

– این نکته حائز اهمیت است که علامه در قسمت «بیان» می‌گویند: سیاق نشان می‌دهد که منظور سؤال از همه نعمت‌هاست و در قسمت روایی، ذیل روایتی از تفسیر قمی، نعمت دین و اهل بیت (ع) را نیز متذکر می‌شوند. ابن عاشور نیز نعمت را هر چیزی می‌داند که انسان از آن لذت می‌برد و باز هم معتقد است مخاطب، مشرکان هستند. با تحلیل عقلانی و سیاق سوره، به نظر می‌رسد نظر علامه طباطبایی به صواب نزدیک‌تر است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

– با توجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت مخاطب در این سوره، عموم مردم است و خداوند آنان را از رذیله‌ای بازمی‌دارد که باعث فساد در روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌شود و در نهایت، باعث مجازات شدید اخروی و محروم شدن آنان از سعادت ابدی می‌گردد. همچنین راه برون‌رفت از این بحران و آسیب را رسیدن به مقام «علم الیقین» و نداشتن خطا در محاسبات ارزش‌گذاری بر انسانیت می‌داند.

– نقطه اختلاف تفسیری اصلی، در بیان و شرح «علم الیقین» و مسئله «رؤیت جحیم» بود که معلوم شد علم الیقین رابطه معناداری با رعایت تقوا و پیمودن مراحل کمال و ایمان حقیقی به حسابرسی دارد. چنانچه آفرینش انسان در این نشئه، در جهت بازگشت به خداوند

متعال است و شروع این بازگشت از همین دنیا خواهد بود و این باور عمیق، التزامات اعتقادی، بینشی و رفتاری متعددی دارد.

– بررسی تطبیقی نشان داد که علامه طباطبایی با رویکردی فلسفی-عرفانی و با محوریت «تفسیر قرآن به قرآن» و «وحدت سیاق سوره»، مفاهیمی چون رؤیت جحیم را مشروط به مراتب معرفتی و قابل تحقق در دنیا برای اولیای الهی می‌داند. در مقابل، ابن عاشور با رویکردی ادبی-تاریخی و با تأکید بر «شرایط نزول» و «ظواهر الفاظ»، این مفاهیم را عمدتاً به عالم آخرت و وقایع حتمی پس از مرگ منتسب می‌کند. این تفاوت‌ها، نه تنها نشان‌دهنده غنای میراث تفسیری اسلام است، بلکه مکمل یکدیگر برای دستیابی به فهمی ژرف‌تر از کلام الله مجید می‌باشند.

## ۶. فهرست منابع

### – القرآن الکریم

- آبیاری، ابراهیم. (۱۴۰۵ق). *الموسوعة القرآنية*. بی‌جا: مؤسسة سجل العرب.
- ابن ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. چاپ سوم. عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی‌الباز.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر*. مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۱۱ق). *تفسیر غریب القرآن*. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰ق). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت: دار الفکر.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ملا حویش آل‌غازی، عبدالقادر. (۱۳۸۲ق). *بیان المعانی*. دمشق: مطبعة الترقی.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- اشکوری، محمد بن علی. (۱۳۷۳ش). *تفسیر شریف لاهیجی*. تهران: دفتر نشر داد.
- ایجی، محمد عبدالرحمن. (۱۴۲۴ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بروجردی، محمدابراهیم. (۱۳۶۶ش). *تفسیر جامع*. تهران: صدر.

- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). *تفسیر البغوی المسمی معالم التنزیل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بلاغی، عبدالحجت. (۱۳۸۶ق). *حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر*. قم: حکمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- تقی پورفر، ولی الله. (۱۳۸۱ش). *پروهشی پیرامون تدرید قرآن*. تهران: اسوه.
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ق). *الکشف و البیان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، حسین بن حسن. (۱۳۷۸ش). *جلاء الأذهان و جلاء الأحزان*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی. (بی تا). *تفسیر روح البیان*. بیروت: دار الفکر.
- حسینی اردکانی، احمد بن محمد. (۱۳۷۵ش). *مرآت الاکوان*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.
- خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵ق). *لباب التأویل فی معانی التنزیل*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- خرم دل، مصطفی. (۱۳۸۴ش). *تفسیر نور*. چاپ چهارم. احسان.
- دشتی، محمد. (۱۳۹۲ش). *نهج البلاغه*. چاپ شانزدهم. نشر نشا.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۹۵ش). *تفسیر موضوعی نهج البلاغه*. چاپ بیستم. نشر معارف.
- رضایی اصفهانی و همکاران. (۱۴۰۱ش). *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. چاپ یازدهم. نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، نشر معارف.
- زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱ق). *التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج*. چاپ دوم. بیروت: دار الفکر.

- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۷۹ش). *أضواء على عقائد الشيعة الإمامية و تاريخهم*. نشر مشعر.
- سبزواری، محمد. (۱۴۰۶ق). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. بیروت: دار التعارف.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ق). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*. بیروت: دار الفکر.
- سیواسی، احمد بن محمود. (۱۴۲۷ق). *عیون التفاسیر*. دار صادر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ق). *الدر المنثور فی التفسیر بالماثور*. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳ش). *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات.
- شبر، عبدالله. (۱۴۰۷ق). *الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین*. کویت: مکتبه الفین.
- شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۵۴ش). *المبدأ و المعاد*. انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰ش). *اسرار الآیات*. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه اسلامی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰ش). *الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکية*. چاپ دوم. مرکز نشر دانشگاهی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). *مفاتیح الغیب*. وزارت فرهنگ و آموزش عالی، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶ش). *تفسیر القرآن الکریم*. چاپ دوم. قم: بیدار.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۵ش). *المبدأ و المعاد*. انجمن حکمت و فلسفه ایران.

- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۷ش). سه رساله فلسفی: *متشابهات القرآن* - *المسائل القدسیة - اجوبة المسائل*. چاپ سوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۰ق). *مجموعه رسائل فلسفی صدر المتألهین*. چاپ دوم. حکمت.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۹۸۱م). *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. مؤسسه الأعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). *التفسیر الکبیر*. دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین. (۱۳۷۸ش). *أطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. تهران: اسلام.
- عاملی، ابراهیم. (۱۳۶۰ش). *تفسیر عاملی*. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: صدوق.
- عبدالرزاق بن همام. (۱۴۰۹ق). *تفسیر القرآن*. دار الکتب العلمیة.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر*. چاپ سوم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراء، یحیی بن زیاد. (۱۹۸۰م). *معانی القرآن*. چاپ دوم. الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.

- قاسملو، فرید. (۱۳۹۵ش). *درآمدی بر تفسیر موضوعی قرآن*. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ش). *تفسیر القمی*. چاپ سوم. قم: دار الکتب.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۳۶۸ش). *کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
- کاشانی، ملا فتح‌الله بن شکرالله. (۱۳۳۶ش). *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). *التفسیر الکاشف*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). *تفسیر مقاتل بن سلیمان*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۱ق). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- میدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ش). *کشف الاسرار و عدة الابرار*. چاپ پنجم. تهران: امیر کبیر.
- نهاوندی، محمد. (۱۳۸۶ش). *نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن*. مؤسسة البعثة.